

روزنه آبی

یادداشتی بر نمایش «دده خانم» به نویسندگی و کارگردانی جواد عاطفه باید دید و طاق دیدنش را داشت!



محمد آقازاده

● «دده خانم» را جواد عاطفه نوشته و در «خانه نمایش» به صحنه برده است، تنها بازیگر این نمایش؛ عاطفه پاکبازنیا، نقش مرده‌شور را نفس گیر جلوی چشم‌انمان جسم می‌بخشد، یک هذیان بی‌وقفه، کابوس از دست‌رفته‌ها و تنهایی زخم‌خورده، قرار از خاک گور و جست‌زدن به درون آن، یک مراسم آیینی برای رودرویی با مرگ یا گریز از بی‌طاقتی زندگی، شخصیتی که ناممکن را می‌طلبد؛ چون تمام ممکن‌ها را از دست داده است، وجدانی معذب که نمی‌داند باید پاسخ کدام گناه نکرده را بدهد، زنی که بز دلانه زیسته و به همه رنج‌هایش تن داده تا فرزندش زیر آفتاب زردرنگ، در شادی‌ای که خودش هرگز تجربه نکرده است، زیست کند؛ اما این فرزند به دلایلی که هرگز نمایش به ما نمی‌گوید، می‌میرد و او همه زندگی‌اش را ناگهان می‌بازد، نه امروزش را؛ بلکه همه دیروزش را، هرچند پیشاپیش مراسم مرگ خود را برگزار می‌کند؛ ولی سوگواری نهایی‌اش برای آن دیگری است. او باید جواب ذهنی همسر و پدری را بدهد که قبل از تولد فرزندش غیب شده است، نمایش هیچ چیز را توضیح نمی‌دهد، اصلا توضیحی وجود ندارد. همه‌چیز غرق در ابهام می‌ماند. نمایش نه مرکزیتی دارد و نه حاشیه، دال تهی است که به کمک هر مخاطبی باید باردار شود، در واگویی آدمی که خودش کس نیست و تنها با مای مخاطب شخصیتی می‌شود که گوشت و استخوان می‌یابد، در پراتنز درد جدایی و مرگ گردام از ما در متن رسوخ می‌کنیم و جزئی از آن می‌شویم. گویی پیشاپیش این درد و مرگ را در زندگی اجرا کرده‌ایم و بعد هم گریزی از آن نداریم، بگذاریم از دست‌رفته‌ها را «میل» بنامیم؛ میلی که آدمی را در جهانی پاتولوژیک به دام می‌اندازد و با خواست تحقش تن ذهن را زخم می‌زند. لاکان می‌گوید: «هر آنچه همه نامیده می‌شود، بسنده است تا زندگی بز دلانه را غیرممکن کند». میل از دست‌رفته، تلاوم زندگی ملال‌زده و رخوت‌رفته را غیرممکن می‌کند. انسان بدون میلش هیچ نیست، جز تعسی پیچیده در کفن. مای مخاطب نمایش را در سربادهای می‌بینیم که افقی پیش‌روی ما می‌گذارد که تهی است و تنها یک وان خالی، که میت‌ها در آن شست‌و‌شو می‌شوند. مرده‌شوری که خود را با تیزی کلمات پالوده می‌کند، جویباری از کلمات که بر تن ما می‌ریزد، وراجی یکنواخت که ما را با وراجی ذهن‌مان رودرو می‌کند و ما را به چالشی بی‌برده با هذیان‌هایمان می‌کشد، چرا نمایش این‌قدر سیاه است؛ چون جواد عاطفه مثل شخصیتش در میان این‌همه ساهی، به دنبال خورشید امید است؛ اما اگر در نمایش همه روزنه‌ها بسته است؛ اما در بی‌طاقتی ناامیدی، امیدی در ما جوانه می‌زند، صحنه خالی با میزانش کلمات و نورهای رنگ‌پریده و بازیگری پراتنزی و حرفه‌ای با چهره حزن‌زده، ما را غافلگیر می‌کند، چرا جواد عاطفه این نمایش را نوشته و به صحنه برده و چرا ما طاق می‌آوریم و آن را می‌بینیم؛ چون پیشاپیش نه در فضای پرکنتر استن متن و اجرا؛ بلکه در زندگی روزم‌همان «میل‌مان» که در میان پراتنز «اگوی – ایده‌آل» و سوپر اگو و ضربه وقیح که واقع گرفتار شده، عاملیتی اخلاقی را می‌طلبد اما از کف داده‌ایم. باید این نمایش را دید و طاق دیدن آن را داشت.

جارچی

فراخوان جشنواره تجسمی نقطه منتشر شد

● **گروه هنر:** دومین دوره جشنواره تجسمی نقطه، ویژه کودکان پنج تا ۱۲ سال برگزار خواهد شد. دومین دوره جشنواره تجسمی نقطه در روزهای ۳۱ خرداد و اول تیرماه امسال برگزار خواهد شد. هنرکده لنا به‌عنوان برگزارکننده این جشنواره، امسال نیز برای دومین سال متوالی این رویداد را در محل هنرکده لنا برگزار خواهد کرد. این جشنواره غیررقابتی بوده و تمامی آثار پذیرفته‌شده در جشنواره در طول برگزاری آن به نمایش درمی‌آیند. کودکان و نوجوانانی که شامل گروه سنی ۵ تا ۱۲ سال می‌شوند تا روز ۱۰ خرداد مهلت دارند آثار خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند. این جشنواره در تکنیک و موضوع، آزاد خواهد بود، اما به مفهوم «من در نقاشی‌هایم» توجه خواهد شد.دومین دوره جشنواره تخصصی نقطه، در دو روز ضمن نمایش آثار پذیرفته‌شده، نشست‌های تخصصی برای پدرها و مادرها و کارگاه‌های تخصصی و همچنین نمایشگاه کتاب برای کودکان و نوجوانان برگزار خواهد کرد. شرایط آثار ارسالی و نحوه ارسال آنها در فراخوان جشنواره قید شده است.

● علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به صفحه اینستاگرام جشنواره به آدرس @noghtheartfestival مراجعه کنند.

فرانک آرتا، در فاصله انجام این گفت‌وگو و چاپ آن وقایع زیادی در عرصه سیاست‌گذاری سینما اتفاق افتاد؛ از جمله تغییرات در بخش بین‌الملل فارابی، شکل‌گیری شورای عالی بین‌الملل سینما و نحوه وام‌دهی به فیلم‌ها که هر یک از اینها می‌تواند مبنای یک گفت‌وگوی مستقل باشند. با وجود ضیق وقت مهندس حیدریان، گفت‌وگوی پیش‌رو را به مسائل مبتلابه سینما اختصاص دادیم و بحث‌های بعدی را به آینده نزدیک موکول کردیم.

✎ **اگر بخواهیم از رویدادهای مهم سینمایی نام ببریم، بدون شک می‌توان از برپایی دو جشنواره ملی و جهانی فیلم فجر نام برد، به نظر درباره جشنواره جهانی باید در فرصتی دیگر به آن بپردازیم، چون اخیرا کانون کارگردانان و جامعه صنفی تهیه‌کنندگان و همین‌طور انجمن منتقدان سینما خانه سینما خواستار ادغام بخش جهانی و ملی شده‌اند. اما بحث مهم دیگرم درباره شکل برگزاری جشنواره ملی فیلم فجر است. حالا که سه ماه از برپایی آن گذشته، بهتر می‌توان درباره آن اظهارنظر کرد. همان‌طور که می‌دانید این جشنواره با پشتوانه ۳۶ سال تجربه باید به مرحله پختگی رسیده باشد. اما به نظر می‌رسد که جشنواره همچنان در مرحله آزمون و خطا به سر می‌برد؛ ما به‌طوری که هنوز توانسته مطالبات طیف‌های مختلف با گرایش‌های متفاوت اهالی سینما را برآورده کند. شاید این مسئله به ساختار اصلی این جشنواره برمی‌گردد؛ الان کار به جایی رسیده که برخی‌ها برای جشنواره خط و نشان می‌کنند و حتی خبر از انشعاب این جشنواره می‌دهند. تحلیل شما از این وضعیت چیست؟**

جشنواره می‌تواند تنها یک رویداد برای مقطعی از سال باشد، همچون رویدادهای مناسبتی دیگر؛ اما برخی از رویدادها تخصصی‌اند و فرایندی دارند که در قله آن جشنواره و مراسمی برپا می‌شود. جشنواره فیلم فجر هم از این جنس است که به تولیدات یک سال سینمای ایران می‌پردازد. از سال‌های اول دهه ۶۰ که جشنواره فیلم فجر راه افتاد، نگاه اصلی این بود که نقش اساسی در تولید فیلم‌ها ایفا کند....

خب همین جا سخن شما را قطع می‌کنم. در اوایل دهه ۶۰ این رویکرد کاملا طبیعی بود. چون سینمای پس از انقلاب نیاز به موتور محرکی داشت تا تولیداتی با محتوای انقلابی داشته باشد. اما این رویکرد در زمان فعلی کاملا کارکرد خود را از دست داده است؟

به این گفته شما هم موافقم رسید. به مرور وجه ملی جشنواره فیلم فجر در بیشتر سال‌ها غالب شد و در برخی سال‌ها هم وجه بین‌المللی آن که درنهایت این دو کالا از هم مجزا شدند. نتیجه اینکه جشنواره ملی یک کارکرد مشخص پیدا کرد و جشنواره بین‌المللی هم نیاز به آداب و رسم‌ی دیگری که باید متناسب با جشنواره‌های بین‌المللی باشد، پیدا کرد. برای رفع معضلی که شما به آن اشاره کردید، امسال یک برنامه جامع برای جشنواره ملی فجر نوشتیم و مشخص کردیم که اساسا در دنیا در حوزه سمعی – بصری در چه جایگاهی هستیم و باید به کجا برویم. در این مسیر به فضای سایریر هم رسیدیم. خب فضای

سایری مختصاتی را اعمال می‌کند که در دنیا مهم است و ما هم نسبت به آن وظیفه ملی داریم. هرچند برخی از مدیران و کارشناسان تنها نگاه سرگرمی به حوزه تصویر و سینما دارند و نه نگاه ژرف‌نگر. در برنامه اهداف جشنواره؛ این جشنواره به عنوان یکی از حلقه‌های زنجیره سیستم سینما دیده شده است. بنابراین جشنواره، محلی است که باید سینمای ایران را به استانداردها نزدیک‌تر کند. تا جایی که تاکید می‌کنیم، سینما حرفه‌ای است و محل کارآموزی نیست. سینما برای اینکه بتواند درصد بیشتری از مردم را راضی نگه دارد، در جشنواره باید گوناگونی و تنوع محصولات را رعایت کند. بنابراین جشنواره باید کاملا حرفه‌ای و تخصصی باشد. امسال شروع این تغییرات به نفع این اهداف بود. پس هرچیزی که جشنواره را به سمت غیرحرفه‌ای بودن پیش می‌برد، متوقف و قطعاً اصلاح می‌شود. پس سطح توقعات از استانداردها را بالا بردیم. به همین دلیل در جشنواره امسال تاکید کردیم که حداکثر ۲۲ فیلم انتخاب شود. هرچند هیئت انتخاب دست‌بازتر عمل کردند و گر نه می‌توانست ۲۲ فیلم هم نباشد. معنا و حاصل این تغییر این است که مردم، منتقدان و سینماگران بالفعل و بالقوه با گزینشی از مجموعه صوچندفیلمی که ثبت‌نام کردند یا ۲۴ فیلمی که توسط هیئت انتخاب دیده شد ۲۲ فیلم که حرفه‌ای‌تر و متنوع‌تر در ژانرهای مختلف بود را انتخاب کردند. پس پیام اول این است که سینماگران عزیز، این کف انتظارات ماست. این ۲۲ فیلم نشان‌دهنده این هستند که کارهای دیگر اگر از اینها ضعیف‌تر باشند حذف خواهند شد. در جشنواره تلاش شد که تنوعی از موضوعات حتما

حضور داشته باشد؛ یعنی کمدی، سیاسی، حوزه مقاومت یا جنگی و اجتماعی و... . به نکته دیگری هم توجه شد و اینکه از نظر ما سینما مؤثرترین و مهم‌ترین قالب حرف‌زدن درباره منافع ملی است. پس در فیلم‌ها باید نقد باشد. اصلا سینمای ما باید منتقد باشد. چون سینمای خنثی به کار ما نمی‌آید. اما منتقدی که در داخل کشور باشد و در چارچوب منافع ملی نقد کند. منتقدی که بن‌بستی برایش وجود ندارد. اما معاینش این نیست که حتما راه را هم نشان دهد؛ چراکه ما نمی‌توانیم در سینما در همه حوزه‌ها متخصص باشیم. در نتیجه در قدم اول تلاش شد که این تغییرات ما را به اهداف جشنواره نزدیک‌تر کند.

✎ **من موجه دغدغه‌های شما هستم که در درازمدت آن را دنبال می‌کنید، اما انتقادهایی هم به بخش انتخاب وارد بود که چرا یک‌سری فیلم‌های خوب را کنار گذاشته و اساسا سؤال این است که جشنواره فجر «چشن» است یا «جشنواره»؟ اگر چشنی شبیه مراسم «اسکار» است پس باید متخصصان هر حرفه درباره آن بخش نظر دهند؛ اگر می‌خواهد مثل «کن» یک «جشنواره» باشد، پس دیگر بخش‌های فنی محلی از اعراب ندارند. دیگر اینکه در همه جای دنیا جشنواره در زمان و مکان مشخص برای تعدادی از افراد معین برگزار می‌شود، همیشه هم هر جشنواره**

یک کنجکاوی را ایجاد می‌کند که پس از برگزاری آنها که شرکت نکرده‌اند به سراغش بروند؛ اما چرا جشنواره فیلم فجر برای شعبه‌های مختلف داریم در سایر شهرها؟ این کار به نظر می‌رسد غلط است! جشنواره یک تعریف و کارکرد دارد و هر جشنواره‌ای را در ارتباط با مأموریت خودش باید تعقیب کرد. جشنواره بین‌المللی فیلم فجر باید تمام مختصات یک جشنواره را تأمین کند؛ یعنی مسابقه باشد، داورهای بین‌المللی و جای ثابتی داشته باشد و دیگر چند شعبه‌ای هم معنایی ندارد!

اولا جشنواره ملی ما یک مسابقه است، امسال هم وجه رقابتی‌اش روشن‌تر شد. دوم اینکه رویکردش تعقیب‌کردن منافع سینمای ماست و برای رسیدن به درجه «الف» داریم تلاش می‌کنیم. کارکرد دیگر آن، این است که در «دهه فجر» برگزار می‌شود و نمی‌توان حالت جشن‌بودن آن را فراموش کرد؛ اما متأسفانه خیلی از افراد دارند ناسپاسی می‌کنند، چراکه جشنواره فجر دارد در ایام مبارک فجر جوور افراد دیگری را می‌کشد که نمی‌توانند در آن ایام جشنواره‌ای درست برگزار کنند؛ شما بهتر می‌دانید که سینما تنها فعالیت میدانی است که در دهه فجر برگزار می‌شود و مردم تا نیمه‌های شب به سینماها می‌روند تا فیلم ببینند و بانشاط باشند. ضمن اینکه خود سینما هم یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؛ بنابراین باید ق‌دردان این سینما بود که هر دو روز یک بار جایزه به سینما تایی دریافت می‌کند. سینماگران ایران با توقعات بالایی، حوزه‌های دیگر را در عرصه‌های بین‌المللی نمایندگی می‌کنند. این در حالی است که مردم نمی‌توانند با دستاوردهای دیگر حوزه‌ها ارتباط برقرار کنند!

✎ **منظور شما تلویزیون است دیگر؟** به‌هرحال کارکردهای سینما و جشنواره‌های فیلم فجر این مأموریت را درست انجام می‌دهند. بحث دیگر ما این است که در جشنواره فجر به سمت عدالت فرهنگی هم برویم. در نتیجه باید «تولید» و مهتر از آن «توزیع» عادلانه فرهنگی در همه‌جای کشورمان صورت پذیرد. تا کی می‌توانیم دنبال ساتن‌الیسم فرهنگی (تمرکزگرایی) باشیم؟ درحالی‌که در دنیای امروز هر نفر درعین‌حال که

گفت‌وگو با محمد مهدی حیدریان، معاون وزیر و رئیس سازمان سینمایی

فجر هم جشن است و هم جشنواره



مصرف‌کننده است، تولیدکننده هم هست. فضای سایبری هم چنین فرصتی را در اختیار همه قرار می‌دهد؛ بنابراین اگر ما خوراک فرهنگی برای مردم آماده نکنیم و امکانات لازم را به‌طور عادلانه در اختیار مردم قرار ندیم، عرصه را بی‌برورکرد واگذار کرده‌ایم! بنابراین ما برای تأمین عدالت فرهنگی باید بتوانیم عادلانه همه مردم را به تولیدکننده تبدیل کنیم.

✎ **پس ناگزیرید که استراتژی برگزاری هم‌زمان جشنواره فیلم فجر در تهران و شهرهای دیگر را ادامه دهید؟**

ناگزیریم چنین کنیم، چون دنیای امروز، پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و سیطره فضای مجازی ما را مجبور کرده است. برای تحقیق این امر هم فرصت‌های آموزش‌های مجازی را فراهم می‌کنیم؛ بنابراین ما جشنواره را به ۳۱ استان برده‌ایم تا فضای کشور تولیدی- فرهنگی شود.

✎ **بنابراین می‌توان گفت جشنواره فیلم فجر به هیچ جشن و جشنواره‌ای در جهان شبیه نیست و مدلی است مختص کشورمان ایران؟**

بله، درواقع این عدالت فرهنگی که در جشنواره از طریق خانه سینما، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و انیمیشن، انجمن سینمای جوانان، بنیاد سینمایی فارابی و... محقق می‌شود. ما در کل کشور ۶۰ دفتر سینمای جوان داریم که تا سال آینده باید ۶۰ دفتر دیگر هم اضافه شود. یا قرار است شعبات خانه سینما در کل کشور را راه‌اندازی کنیم؛ مثلاً آقای شهسوری که الان مدیرعامل خانه سینما هستند، از این به بعد باید مدیرعامل «خانه سینمای ایران» شوند یا دیگر یک فیلم‌بردار در بوشهر نباید برای رفع مشکلات صنفی‌اش از آنجا به تهران کوچ کند. ✎ **خب این نگاه کاملا منطقی و نافذ تمرکزگرایی است؛ یعنی شما می‌خواهید نهادهای مدنی بیشتر تقویت شود تا دخالت دولت کمتر شود؟**

اصلا «نهادهای مدنی» همین‌جا معنا پیدا می‌کند. پس ما به‌دنبال آن هستیم که تاجایی‌که مخاطب داشته باشیم، فضای کشور را فرهنگی کنیم؛ جلوه‌گاه این فرهنگی‌شدن یکی جشنواره و دیگری در شعبات «خانه سینما» و امثال آن است مثل «خانه مستند». برای «موزه سینما» هم می‌خواهیم شعبه راه‌اندازی کنیم، بناسد در استان فارس، مشهد و منطقه آزاد ارنی یک مکان قدیمی که نشانه‌های فرهنگ ایران را دارد، به این‌کار اختصاص دهند.

ما میراث‌دار فرهنگ و هنر ایران هستیم، پس باید نشانه‌هایش را در آن منطقه و شهر مثل جوایز و اسناد، کپی برابر اصل کنیم و به نمایش درآوریم یا اسناد و دست‌نوشته‌های دیگر. تا مردم همان شهر یا منطقه سابقه حضور سینما را متوجه شوند و از شرایط کنونی و جوایز بین‌المللی هم اطلاع پیدا کنند. فراوانی و تنوع این موضوعات گفتمان فرهنگی ایجاد می‌کند. به نظر من این دوره انتقال است که باید مردم را از این مسیر بگذرانیم تا به شرایط آتی برسند که ان‌شاءالله وضعیت بهتر خواهد شد.

✎ **همان‌طور که می‌دانید به‌اصطلاح کفگیر سینمای داستانی هم به ته دیگ خورده و چندان خلاقیت ندارد اما خوشبختانه در ادارات تحت نظر سازمان سینمایی مثل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که اخیرا انیمیشن هم به آن پیوسته، شاهد کارهای خوبی هستیم و خوشبختانه شاهد شکوفایی در فیلم‌های مستند و در عرصه فیلم کوتاه هستیم. طبعاً چنین جاهایی اعتبارات و بودجه آنها باید در سال جدید افزایش پیدا کند. درعین‌حال در جاهایی مثل «مدرسه ملی سینما» خروجی موفق آمیزی نداشته؛ چرا «مدرسه ملی تعطیل نمی‌شود؟ در برنامه جامع آمده که آموزش نیروی**

انسانی به این شکل کار ما نیست و دانشگاه‌ها باید به این‌کار بپردازند. در نتیجه با این نگاه وجود «مدرسه ملی سینما» ضروری نیست اما فاصله دست‌اندرکاران فعال ما با اتفاقی که در فیلم‌سازی در دنیا می‌افتد، زیاد است و این فاصله را باید مدرسه پر کند.

✎ **در این مسیر وظیفه «خانه سینما» چیست؟**

«خانه سینما» اگر بتواند وظایف صنفی خود را هم انجام بدهد، خیلی خوب عمل کرده است. «خانه سینما» باید صنف مسئول تربیت کند. مثلا تهیه‌کننده واقعی کیست و... و به احوال تمام نیروهایش رسیدگی کند. چون در جای‌ترین‌نظر نگاه اگر مثلا دستیار فیلم‌بردار هم حالش خوب نباشد، به تولید یک فیلم ضرر می‌زند. پس «خانه سینما» باید صنوف حرفه‌ای و مسئول را ایجاد و حمایت کند و البته

اصلی‌ترین همکار مدرسه هم خواهد بود.

✎ **در حال حاضر مأموریت بنیاد سینمایی فارابی باید چه باشد؟**

بنیاد سینمایی فارابی باید به سمت تأمین نیاز فکری و فرهنگی ما برود. یعنی خدماتی ارائه کند که ما در حوزه فیلم‌نامه به بالاترین جای ممکن برسیم. فیلم‌نامه‌های امروز ما دو ایراد دارند؛ یکی جوهره اصلی آن است که درام باید اطراف آن شکل بگیرد و دیگری ساختار درام است که متأسفانه هر دو مشکل دارند. ضمن اینکه سینما باید ژانرها و موضوعات مختلف را در خود جای دهد که اینها خود به خود شکل نمی‌گیرد و باید به آن توجه شود. خودتان دیدید که در دو سالی که این موضوعات را شد، چه فیلم‌های روی پرده سینما آمدند؛ پس یک جایی باید به روش فرهنگی، سینما را به رشد و ارتقا برساند و آن جا بنیاد سینمایی فارابی است. بحث بازآموزی حرفه‌ای‌های سینما یا حرفه‌ای‌کردن سینما به جهت تخصصی، کار جایی است که بتواند به‌طور علمی انجام دهد یا با مراکز علمی دنیا ارتباط برقرار کند. «مدرسه ملی سینما» باید چنین جایی باشد؛ چراکه به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها در حوزه سینما به قدر کفایت خروجی مفیدی نداشته‌اند.

✎ **یعنی می‌خواهید «مدرسه ملی سینما» را با مأموریت جدید احیا کنید؟**

بسیار از کارهایی را که انجام شده من هم مثل شما قبول ندارم و خدشش میدرم.

✎ **تکلیف گروه «هنر و تجربه» چه می‌شود؟ آیا وظایفش را تغییر می‌دهید یا به همان روش قبلی ادامه می‌دهید؟**

گروه «هنر و تجربه» به یک دلیل تأسیس شد. ما تعداد زیادی فیلم داشتیم که امکان اکران عمومی نداشتند. اینجا شکل گرفت تا با حمایت دولت امکان اکران این نوع فیلم‌ها فراهم شود. این انتظار حداقلی است اما ادامه‌اش می‌تواند سینما را منحرف کند!

✎ **چطور؟**

ببینید سرمایه‌هایی را که صرف تولیدات شخصی و به‌اصطلاح راضی‌کردن خود فیلم‌ساز می‌شود، بدون اینکه توجهی به هنر داشته باشد، حमित صنفی و حضور حداکثری اهالی و صاحب‌نظران سینما در این‌گونه رویدادهای فرهنگی، هنری است، نتیجه ثمربخشی نداشته و نخواهد داشت. غیبت فیلم‌سازان موفق ایرانی و دیگر کشورها در عرصه بین‌المللی و فقدان نگاه کارشناسانه در انتخاب آثاری که هم‌خوانی لازم با عنوان جهانی این جشنواره داشته باشند، خود گواهی است بر عدم مشروعیت این رویداد نزد سینماگران ایران و جهان و نمی‌توان تنها با افزودن بخش‌هایی به ظاهر بی‌طرف هزینه‌های اما در باطن بدون کاربرد، دعوت از یک چهره سرشناس خارجی یا پرکردن فهرست همکاران اجرایی جشنواره از میان سلبریتی‌های وطنی، برای این جشنواره که فاقد جامعیت و استراتژی مناسب و مشخص است و نحوه برگزاری و حتی اهداف آن بیشتر شکلی نمایشی یافته، شان و منزلتی ایجاد کرد. متأسفانه در ورای این پوسته به ظاهر پرزرق‌وبرق و با وجود برزیویاش‌های فراوان و تخصیص بودجه کلان، عملا جشنواره جهانی فیلم فجر در طول چهار دوره برگزاری مستقل در تحقق حداقل اهدافش ناموفق و ناکام بوده است. به گمان ما دلایل این ناکامی ضروری، قابل ذکر و نیازمند بررسی همه‌جانبه است. بنابراین شورای مرکزی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی بنا بر جمع جهات یادشده معتقد است ادامه برگزاری این جشنواره در شکل نامنعطف، انحصاری، پرهزینه و بدون بازده فرهنگی فعلی نه‌تنها به صلحت نیست، بلکه باعث خسارت و آسیب‌رساندن به اعتبار سینمای ایران در عرصه بین‌المللی است.

براین اساس، شایسته است که وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و ریاست ارجمند سازمان سینمایی با تدبیر و دوراندیشی عاجل، ترتیبی اتخاذ کنند از بخش بین‌الملل و ملی جشنواره فیلم فجر، به روال سابق، به‌طور هم‌زمان برگزار شوند. بیشتر از این ته‌اجمات را حاصل تمرین‌نکردن ما در سالن‌نگری، ترجیح منافع جمع به فرد و دوراندیشی به جای امروز‌نگری می‌دانم. خانه سینما به‌عنوان مجمع صنوف سینمایی بهترین کالبد برای همین رویکرد و کلان‌نگرانه است که عرض کردم. مراقبت در ایجاد و استقرار صنفی که حرفه‌ای‌بودن سینما و امنیت شغلی را تضمین کند با فعالیت خانه سینمایی که فراگیر باشد، به دست خواهد آمد.به‌هرحال ضمانت سلامت هر مجموعه در شفافیت عملکردها و نظارت مستمر، حاصل می‌شود؛ خانه سینما هم برای نظارت قاعدتا یک سازوکار حقوقی دارد که بهتر است گزارش‌هایش را منتشر کند و سایر تصمیمات نیز اطلاع‌رسانی صنفی و عمومی شود.

هنر

زیر آسمان فیروزهای

سکوت اعتراضی زنان روی فرش قرمز «کن»

● ۸۲ نفر از سینماگران زن در حرکتی اعتراضی به حضور کم‌رنگ زنان در هفتادویکمین دوره جشنواره کن روی فرش قرمز رفتند. «کیت بلانشت»، رئیس هیئت داوران بخش رقابتی جشنواره کن، «آنیس واردا» چهره پیشگام موج نوی سینمای فرانسه، «ماریون کوتیار»، «کریستین استورات»، «اوا هاسون»، «لنا سیدو»، «آوا دو ورنای» و «پتی جنکینز» از جمله چهره‌های شاخصی بودند که غالبا با لباس‌های مشکی روی فرش قرمز جشنواره کن رفتند و با سکوت خود اعتراضشان را به نادیده‌گرفتن زنان در سینما نشان دادند.

پس از آن «کیت بلانشت» بیانیه‌ای را دراین‌باره به زبان انگلیسی خواند که «آنیس واردا» نیز آن را به زبان فرانسه خواند؛ ما همگی با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم، اما امروز روی پله‌های جشنواره کن به‌عنوان نمادی از عزم و تعهدمان به پیشرفت، ایستاده‌ایم. ما نوبسنده، تهیه‌کننده، کارگردان، بازیگر، تصویربردار، تدوینگر، توزیع‌کننده و... هستیم و همه ما در هنرهای سینمایی نقش داریم و امروز در اینجا در اتحاد با همه زنان فعال در همه صنایع ایستاده‌ایم.

«بلانشت» در ادامه گفت: ۸۲ نشان‌دهنده تعداد زنان کارگردانی است که در طول تاریخ جشنواره کن و از سال ۱۹۴۶ تاکنون در جشنواره حضور داشته‌اند. در همین دوره زمانی هزارو ۶۸۸ کارگردان مرد از همین پله‌ها که روی آن ایستاده‌ایم بالا رفته‌اند. در طول ۷۱ سال برگزاری جشنواره کن تنها ۱۲ زن به‌عنوان رئیس هیئت داوران انتخاب شده، همچنین ۷۱ جایزه نخل طلا به مردان رسیده و تنها دو جایزه نخل طلا، یکی به «جین کمپبون» و دیگری به «آنیس واردا» اعطا شده است. این حقایق مطلق و غیرقابل‌انکارند. «جین فوندا»، «آلیس رورواچر»، «آته‌ماری جاسر»، «حیفا المنصور»، «سلم‌ا‌هایک»، «اورسلا مهر» و «ونسا فیلهو» از جمله دیگر سینماگران سرشناس در این حرکت اعتراضی بودند. این‌در حالی است که «کیت بلانشت»، رئیس هیئت داوران بخش رقابتی کن، در نشست خبری هم‌زمان با آغاز جشنواره کن گفته بود ملک انتخاب فیلم‌ها باید بر اساس سطح کیفی باشد، نه جنسیت کارگردان. اکنون فیلم‌های چند کارگردان زن در بخش رقابتی کن پذیرفته شده، اما این فیلم‌ها تنها به‌خاطر جنسیت کارگردانشان اینجا نیستند، بلکه ملک سطح کیفی است و ما نیز همه را به‌عنوان فیلم‌ساز مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

برگزاری مستقل جشنواره جهانی فیلم فجر ثمربخش نبوده

● **گروه هنر:** شورای مرکزی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی نیز خواستار ادغام دوباره جشنواره ملی و جهانی شد. شورای مرکزی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران ضمن تأیید نقطه‌نظرات کانون کارگردانان سینمای ایران درباره اشکالات اساسی جشنواره جهانی فیلم فجر، معتقد است برگزاری مستقل این جشنواره به شیوه معمول چند دوره اخیر به‌جز ائتلاف هزینه‌های سنگین و زائد و ایجاد انحصارگرایی و رانت برای مجموعه‌ای خاص که در تعارض با حمیت صنفی و حضور حداکثری اهالی و صاحب‌نظران سینما در این‌گونه رویدادهای فرهنگی، هنری است، نتیجه ثمربخشی نداشته و نخواهد داشت. غیبت فیلم‌سازان موفق ایرانی و دیگر کشورها در عرصه بین‌المللی و فقدان نگاه کارشناسانه در انتخاب آثاری که هم‌خوانی لازم با عنوان جهانی این جشنواره داشته باشند، خود گواهی است بر عدم مشروعیت این رویداد نزد سینماگران ایران و جهان و نمی‌توان تنها با افزودن بخش‌هایی به ظاهر بی‌طرف هزینه‌های اما در باطن بدون کاربرد، دعوت از یک چهره سرشناس خارجی یا پرکردن فهرست همکاران اجرایی جشنواره از میان سلبریتی‌های وطنی، برای این جشنواره که فاقد جامعیت و استراتژی مناسب و مشخص است و نحوه برگزاری و حتی اهداف آن بیشتر شکلی نمایشی یافته، شان و منزلتی ایجاد کرد. متأسفانه در ورای این پوسته به ظاهر پرزرق‌وبرق و با وجود برزیویاش‌های فراوان و تخصیص بودجه کلان، عملا جشنواره جهانی فیلم فجر در طول چهار دوره برگزاری مستقل در تحقق حداقل اهدافش ناموفق و ناکام بوده است. به گمان ما دلایل این ناکامی ضروری، قابل ذکر و نیازمند بررسی همه‌جانبه است. بنابراین شورای مرکزی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی بنا بر جمع جهات یادشده معتقد است ادامه برگزاری این جشنواره در شکل نامنعطف، انحصاری، پرهزینه و بدون بازده فرهنگی فعلی نه‌تنها به صلحت نیست، بلکه باعث خسارت و آسیب‌رساندن به اعتبار سینمای ایران در عرصه بین‌المللی است.

براین اساس، شایسته است که وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و ریاست ارجمند سازمان سینمایی با تدبیر و دوراندیشی عاجل، ترتیبی اتخاذ کنند از بخش بین‌الملل و ملی جشنواره فیلم فجر، به روال سابق، به‌طور هم‌زمان برگزار شوند.